



عراق ۸۷ مراد ویسی

کشور عراق به عنوان همسایه مهم و غربی ایران در سال ۱۳۸۷ شاهد تحولات و چالش‌های عمده‌ای بود که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان در هفت محور دسته‌بندی کرد:

۱. کاهش ناآرامی‌ها و مهار نسبی ترور یسم و بی‌ثباتی

طی سال ۱۳۸۷ دولت مالکی با انجام یک سلسله عملیات امنیتی در استان‌های الاتبار، بصره موصل، دیالی، العماره و شهرک صدر بغداد اقتدار امنیتی خود را تقویت کرد و با تکیه بر نتایج این عملیات زنجیره‌ای کنترل امنیتی برخی شهرهای عراق را از نیروهای آمریکایی تحویل گرفت. عملیات مذکور به دو دسته کلی تقسیم شده بود: نخست عملیات در مناطق و استان‌های شیعه‌نشین نظیر بصره شهرک صدر بغداد و العماره و دوم؛ عملیات علیه القاعده در سه استان سنی‌نشین الاتبار، نینوی و دیالی. دولت مالکی در چارچوب سیاست مذکور با بکارگیری سیاست جدا کردن عشایر سنی از القاعده در استان الاتبار به تدریج فضا را بر القاعده تنگ کرد و موفق شد با کمک نیروهای آمریکایی القاعده را در سه استان الاتبار، نینوی (موصل) و دیالی تحت فشار عملیاتی قرار دهد و آن‌ها را متفعل کند، به نحوی که پس از عملیات در این سه استان تا حدود زیادی القاعده در عراق متفعل شد.

پس از آن که اعضای شبکه القاعده در بسیاری از مناطق غرب عراق بویژه بغداد و الاتبار، تحت فشار قرار گرفتند، به سوی مناطق شرقی و شمالی این کشور عقب‌نشینی کردند. این افراد به طور خاص به سوی ارتفاعات جبل حمرین فراری شدند. ارتفاعات جبل حمرین در شمال بغداد به سمت مناطق کردنشین و نیز موصل قرار دارد و از شمال غرب به سوی جنوب شرقی قرار گرفته‌اند. این منطقه بر سر راه بغداد به شمال عراق و مناطق کردنشین و موصل قرار دارد و به دلیل بافت کوهستانی آن، امکان جنگ و گریز را به عناصر القاعده می‌داد. اما در سال

۸۷ با عملیات نیروهای تحت امر نوری مالکی در این دو استان، القاعده به شدت تحت فشار و انفعال قرار گرفت. ابتدا در موصل و سپس در دیالی، نیروهای تحت امر دولت القاعده را مجبور به پذیرش شکست‌های سختی کردند.

۲. امضای توافقنامه امنیتی عراق و آمریکا
عراق در سال ۱۳۸۷ دو توافقنامه مهم با آمریکا امضا کرد که یکی از آن‌ها توافقنامه زمان‌بندی خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق بود و دومی توافقنامه همکاری‌های استراتژیک. توافقنامه زمان‌بندی خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق پس از حدود یک سال چانه‌زنی و رفت و آمد و هفت بار تجدیدنظر در متن آن، تصویب و امضا شد. صرف‌نظر از متن این توافقنامه یکی از مهم‌ترین نکات در فرآیند تدوین و تصویب توافقنامه مذکور، مقاومت دولت عراق در برابر فشارهای آمریکا بود. تا قبل از ارائه آخرین پیش‌نویس توسط ائتلاف یکپارچه تیم مذاکراتی عراق با محوریت موفق الریعی و برهم صالح یک تیم مرعوب در مقابل آمریکا بود، اما بعد از مقاومت‌های آیت‌الله سیستانی زمینه برای مقاومت دولت عراق در برابر فشارهای آمریکا فراهم شد و مالکی به تشدید مقاومت در برابر فشارهای آمریکا و اصرار بر تغییر مفاد توافقنامه پرداخت. پس از آن نیز دولت عراق با اجماع بر ضرورت اصلاح برخی بندهای توافقنامه امنیتی، به مقاومت مالکی در برابر آمریکا کمک کرد.

در چارچوب این مقاومت آخرین متنی که مورد قبول آمریکا و دولت عراق قرار گرفت توسط ائتلاف یکپارچه (جریانات تحت رهبری حکیم و مالکی) به عنوان بزرگ‌ترین فراکسیون پارلمان نوشته شد و در ۲۶ آبان ۱۳۸۷ (۱۶ نوامبر ۲۰۰۸) به تصویب هیات وزیران عراق رسید و سپس برای تصویب نمایندگان به پارلمان این کشور ارسال شد و در تاریخ ۷ آذر (۲۷ نوامبر) نیز به تصویب پارلمان رسید و جهت امضای نهایی و ابلاغ به شورای ریاست جمهوری ارسال شد. کردها بیشترین همسویی را با امضای توافقنامه داشتند و اعراب سنی نیز خواهان کسب تضمین‌هایی برای پیگیری چند مسأله خاص بودند که با مذاکرات طرفین، تمامی ملاحظات جریانات سیاسی در چارچوب سندی موسوم به سند اصلاح تنظیم گردید که این سند قبل از رای‌گیری درباره توافقنامه در پارلمان تصویب شد. در واقع اعراب سنی تصویب این توافقنامه را مشروط به تعهد دولت در اجرای سند اصلاحات در کشور شامل آزادی

زندانیان بر اساس قانون عفو فراگیر و درخواست برای آزادی زندانیان تحت بازداشت آمریکا و بستن پرونده مهاجران، جذب و ادغام گروه‌های مسلح و نیروهای شوراهای بیداری در دستگاه‌های امنیتی و نظامی کردند و کردها نیز دولت مالکی را متعهد کردند به فدرالیسم وفادار باشد. سرانجام قرار شد این همه‌پرسی سال ۲۰۰۹ برگزار شود. توافقنامه پس از امضای اعضای شورای ریاست جمهوری عراق و امضای جرج بوش رییس‌جمهور آمریکا از اول ژانویه ۲۰۰۹ اجرایی شد و کمیته‌هایی در چهار سطح برای اجرای مفاد توافقنامه خروج نیروهای آمریکایی از عراق تشکیل شد. کمیته‌های مذکور در سطح اداری، عملیات نظامی، همکاری‌های مشترک دو طرف و کمیته‌های فرعی تشکیل شدند که مأموریت هر کمیته از کمیته دیگر متفاوت بود. دو طرف همچنین توافق کردند برای اجرای توافقنامه چارچوب همکاری‌های استراتژیکی عراق و آمریکا یک کمیته مشترک دیگر تشکیل شود. این کمیته مسئولیت سازمان‌دهی همکاری‌های دو جانبه بین دو کشور را در زمینه‌های دیپلماتیک اقتصادی، امنیتی، سیاسی، اجتماعی، بهداشتی و آموزشی بر عهده دارد.

در مورد خروج عراق از بند هفت منشور سازمان ملل نیز، شورای امنیت سازمان ملل دوم دی ماه ۱۳۸۷ با رای مثبت پانزده عضو این شورا و با صدور قطعنامه ۱۹۵۹ ضمن خارج ساختن عراق از شمول فصل هفتم منشور سازمان ملل (ناظر بر اشغال کشورها و اداره آن‌ها در دوران اشغال) زمان پایان یافتن مأموریت نیروهای چند ملیتی در عراق را به درخواست دولت این کشور ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸ (۱۱ دی ۸۷) تعیین کرد و نیز تمهید یک‌ساله مصونیت درآمدهای حاصله از فروش نفت این کشور را تصویب کرد.

آغاز روند تحویل مناطق و اختیارات امنیتی از آمریکایی‌ها به دولت عراق

پس از امضای توافقنامه زمان‌بندی خروج نیروهای آمریکا از عراق و اجرایی شدن این توافقنامه از ابتدای سال ۲۰۰۹، نیروهای آمریکایی مسئولیت امنیتی منطقه الخضراء در بغداد را به نیروهای عراقی واگذار کردند. منطقه الخضراء که به منطقه‌ای بین‌المللی معروف است در مرکز بغداد واقع در کرانه رودخانه دجله قرار دارد و مساحت آن نزدیک به ۱۰ کیلومتر است و مقر ریاست جمهوری، دولت پارلمان عراق و تعدادی از وزارتخانه‌ها و اماکن مسکونی و دفاتر تعدادی از

مسئولان بلندپایه عراقی در آنجا قرار دارد.

نیروهای آمریکایی پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ این منطقه را محصور کردند و دور آن را با دیوارهای بلند و بتونی احاطه کردند و مأموریت حفاظت آن را به نیروهای آمریکایی و شرکت‌های پیمانکار امنیتی که زیر نظر آن‌ها فعالیت داشتند واگذار کردند. پس از واگذاری این منطقه به دولت عراق، سفارت جدید آمریکا نیز که در همین منطقه قرار دارد به عنوان بزرگ‌ترین سفارتخانه جهان افتتاح شد. مجتمع جدید سفارت آمریکا چهار هزار کارمند را در خود جای خواهد داد که شامل دیپلمات‌ها و کارمندان ۱۴ اژانس فدرال است. نیروهای آمریکایی همچنین پایگاه نظامی فلوجه در استان الالبتر را به عنقرین پایگاهی که در این استان در اختیار داشتند به نیروهای عراقی تحویل دادند. دولت عراق همچنین در ۱۵ دی ماه کنترل شوراهای بیداری را در استان ناآرام دیاله واقع در شمال بغداد از نظامیان آمریکایی تحویل گرفت. در ۱۲ دی همچنین، نظامیان انگلیسی مسئولیت امنیتی و اناری فرودگاه بین‌المللی بصره مهم‌ترین پادگان خویش در جنوب عراق را به طور کامل به طرف عراقی واگذار کردند. پارلمان عراق چند روز قبل از این اقدام انگلیسی‌ها، لایحه قانون عقب‌نشینی نیروهای خارجی از عراق را به تصویب رسانده بود. بر اساس این قانون، دولت عراق مسئول انعقاد توافقنامه با کشورهای غیر از آمریکاست که نیروهای خود را پس از ۳۱ دسامبر آینده در عراق نگاه خواهند داشت.

طرح اوپاما برای خروج نیروهای آمریکا از عراق

جنای از توافقنامه امنیتی عراق و آمریکا، به قدرت رسیدن اوپاما در کاخ سفید باعث طرح مساله خروج سریع‌تر نیروهای آمریکایی از عراق شد. اوپاما در خلال برنامه تبلیغاتی خود در چارچوب انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، از خروج نیروهای آمریکایی از عراق ظرف مدت ۱۶ ماه دفاع می‌کرد. پس از اعلام دستور اوپاما، رابرت گیتس وزیر دفاع این کشور به فرماندهان نظامی تاکید کرد بن به تمایل اوپاما، مساله خروج نیروهای آمریکایی را در طول ۱۶ ماه بررسی کنند.

اعلام آمادگی عراق برای خروج نیروهای آمریکایی

در مقابل این اظهارات آمریکایی‌ها، ژنرال محمد العسكري سخنگوی وزارت دفاع عراق اعلام کرد در صورتی که خروج زود هنگام آمریکا از

عراق محقق شود، نیروهای عراقی برای کنترل اوضاع امنیتی آماده هستند.

دستاوردها و پیامدهای توافقنامه: تقویت مرجعیت و دولت مالکی

فرآیند تصویب توافقنامه امنیتی عراق و آمریکا را می‌توان نمادی از محوریت آیت‌الله سیستانی به عنوان یک مرجع آگاه به امور زمانه و شخصیتی فرامذهبی، مدیریت مالکی به عنوان یک دولتمرد مستقل و ملی و سعه صدر حکیم به عنوان یک سیاستمدار با تدبیر و طالبانی به عنوان یک سیاستمدار دوراندیش به شمار آورد. آمریکا در متن‌های متعدد توافقنامه بسیاری از خواسته‌های افزون طلبانه خود از عراقی‌ها را گنجانده که در واقع هر بند آن به معنای ادامه اشغال عراق بود، اما در گام اول با اعلام ملاحظاتی چهارگانه آیت‌الله سیستانی، باورپذیری عراقی‌ها برای تغییر مفاد توافقنامه و انطباق آن با منافع ملی عراق تا حد امکان کلید خورد، در گام دوم مالکی با تغییر تیم مذاکراتی و مقاومت بی‌سابقه در مقابل فشارهای آمریکا، از فضای ایجاد شده توسط مرجعیت به عنوان بستری برای دفاع از منافع ملی عراق استفاده کرد و در نهایت در گام سوم آن‌جا که توافقنامه می‌توانست فقط با رای شیعیان و کردها تصویب شود، طالبانی در اقدامی دوراندیشانه تلاش کرد اجماع جریانات مختلف سیاسی، قومی و مذهبی متنوع عراق را پشت یک تضمین ملی جمع کند. اولین فرد و نهادی که ضرورت تطبیق توافقنامه با حاکمیت استقلال، منافع ملی و وحدت عراق را مطرح کرد، حضرت آیت‌الله سیستانی بودند که از پایگاه نیرومند مذهبی خویش، اما زاویهای فرامذهبی و ملی فرآیند مقاومت در برابر متن مورد نظر آمریکایی‌ها را کلید زدند. همگامی دولت و مردم عراق با مرجعیت در تمامی مسیر تهیه تدوین و تصویب توافقنامه باعث شد که نقش و جایگاه مرجعیت در معادلات سیاسی-حکومتی عراق نسبت به دو سال اخیر تقویت شود و بار دیگر مرجعیت به عنوان نهاد و گروه مرجع و فراجنبی و فرامذهبی در معادلات کلان کشور، به عنوان لنگرگاه عمل کند. این در حالی بود که پس از ایفای نقش موثر مرجعیت در مدیریت و مهار درگیری‌های سال ۲۰۰۴ بین جریان صدر و آمریکا و نیز فرآیند تدوین قانون اساسی، احساس می‌شد که مرجعیت و به طور خاص آیت‌الله سیستانی نسبت به گذشته نقش و نفوذ کمتری در تحولات سیاسی-حکومتی عراق دارد و حتی جریانات سیاسی نیز تا حدود

کمتری مایل به ایفای نقش جدی مرجعیت هستند اما فرآیند عمومی حاکم بر تصویب توافقنامه بار دیگر این نقش و نفوذ و جایگاه مرجعیت و اعتماد مردم و جریانات اصلی عراق به آن را ثابت کرد. از طرف دیگر مالکی با این دید از امضای توافقنامه دفاع می‌کرد که عراق را از چارچوب یک کشور اشغال شده که تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل بود خارج سازد. وی با مقاومت در برابر زیاده‌مطلبی آمریکایی‌ها و با حمایت مرجعیت توانست که در موارد مهمی متن توافقنامه را تغییر دهد. مهم‌ترین این موارد عبارت بودند از: محدود کردن دامنه مصونیت قضایی نیروهای آمریکایی به داخل پادگان‌ها و هنگام مأموریت حنف بند مربوط به احتمال تمدید حضور نیروها در عراق پس از سال ۲۰۱۱، ذکر بندی در مورد عدم استفاده از خاک عراق برای حمله به همسایگان این کشور، خاتمه دادن به بند هفتم منشور ملل متحد و خروج عراق از قیمومت تحویل گرفتن اماکن و اراضی در اختیار نظامیان آمریکایی مانند منطقه سبز امنیتی در مرکز بغداد و نیز کاخ‌های دولتی و ریاست جمهوری سابق عراق و خاتمه بازداشت‌های بدون مجوز توسط نظامیان آمریکایی. دولت مالکی که با عملیات امنیتی زنجیره‌ای در استان‌های الالبتر، بصره موصل و دیالی اقتدار امنیتی خود را تقویت کرده بود و مدعی تحویل گرفتن پرونده امنیتی عراق از نیروهای آمریکایی بود با مقاومت و مدیریت مناسبی که در جریان ایجاد تغییر در تیم مذاکراتی و تدوین مجدد و تصویب توافقنامه از خود نشان داد ضمن فراهم نمودن مقدمات خروج از فصل هفتم منشور سازمان ملل برای اعاده حاکمیت مردم عراق بر کشورشان، عراقی‌ها را حتی در حضور اشغالگران به وجود دولتمردانی مقاوم چون مالکی و سیاستمدارانی صاحب سعه صدر و تدبیر چون حکیم و طالبانی امیلوار ساخت. بویژه آن‌که عملکرد مالکی و حکیم و طالبانی در این فرآیند را باید با توجه به امکانات و مقدرات و محدودیت‌های بسیار آن‌ها مورد قضاوت قرار داد. این فرآیند در مجموع باعث تقویت ثبات و موقعیت دولتی شده است که نه مطلوب برخی کشورهای منطقه است و نه مطلوب آمریکا.

۳. تشدید اختلافات دولت مرکزی و کردها دامنه تنش بین کردها و دولت مرکزی عراق و بخصوص چالش بین کردها و مالکی در سال ۱۳۸۷ گسترده‌تر و عمیق‌تر شد. اختلافات کردها و دولت مالکی در موارد ذیل در سال ۸۷ و در چندین مرحله عمیق‌تر شده به

نحوی که در اواخر بهمن ۸۷ نیچیروان بارزانی، نخست‌وزیر اقلیم کردستان از احتمال جنگ بین کردها و دولت مرکزی در صورت عدم حل و فصل اختلافات سخن گفت.

محورهای این اختلافات عبارت بودند از:

۱. اختلاف نظر کردها و دولت مالکی بر سر اجرای ماده ۱۴۰ قانون اساسی و همه‌پرسی برای تعیین تکلیف مناطق کردی خارج از اقلیم کردستان از جمله خانقین، کرکوک و مناطق کردنشین اطراف موصل؛ ۲. سهم اقلیم کردستان از بودجه ملی؛ ۳. مخالفت دولت مرکزی با قراردادهای گازی و نفتی اقلیم کردستان با شرکت‌های خارجی؛ ۴. نحوه حکومت‌داری مالکی و اعتراض کردها به شیوه اداره کابینه و تصمیم‌گیری‌های وی که از نظر کردها حاکمیت‌تک‌روانه است؛ ۵. اختلاف بر سر حوزه اختیارات پیش‌مرگه‌های کرد و ارتش عراق و سیاست مالکی در مورد افسران کرد ارتش؛ ۶. مخالفت دولت با عملکرد اقلیم کردستان در حوزه سیاست خارجی و ایجاد دفاتر مستقل دیپلماتیک در سایر کشورها و نهادهای بین‌المللی. روابط مالکی و کردها در سال ۸۷ با توجه به اختلاف نظرات مذکور، روز به روز تیره‌تر و بحرانی‌تر شد و حتی برای نخستین بار پس از سقوط صدام نیروهای نظامی طرفدار مالکی و پیشمرگه‌های کرد بر سر کنترل و مدیریت مناطقی از خانقین در برابر یکدیگر صف‌آرایی کردند و درگیری‌های محدودی نیز داشتند. با اعزام نیروهای ارتش به منطقه کرکوک و مخالفت کردها با تشکیل شبه‌نظامیان طرفدار دولت در این منطقه، این تنش‌ها بیشتر شد. کردها در سال ۸۷ با حوادث زنجیره‌ای موصل، کرکوک و خانقین احساس کردند که عرب‌های عراق در برابر آن‌ها صف‌آرایی مشترکی به عمل آورده‌اند و از طرف دیگر ممکن است آمریکا در مناقشات نظیر کرکوک و سایر چالش‌های کردها در درون عراق و نیز در سطح روابط با ترکیه و کشورهای عربی، حمایت لازم را از کردها به عمل نیاورد.

۳.۱. بحران خانقین: اختلافات کردها با دولت مرکزی بر سر کنترل مناطقی از شمال استان دیالی از جمله شهر نفت‌خیز خانقین از زمانی آغاز شد که ارتش عراق در ادامه عملیات پاکسازی در این استان علیه القاعده وارد خانقین شد. این مناطق که خارج از مدار ۳۶ درجه ممنوعه در سال ۱۹۹۱ میلادی توسط سازمان ملل قرار دارند پس از

سقوط صدام در کنترل پیشمرگان کرد عراقی قرار گرفت. اما دولت عراق مناطق خارج از خط موسوم به آبی را که در زیر خط ۳۶ درجه پرواز ممنوع سال ۱۹۹۱ قرار دارند جزو مناطق تحت سلطه خود می‌داند و آن‌ها را جزئی از منطقه قانونی اقلیم کردستان عراق (استان‌های دهوک، سلیمانیه و اربیل) نمی‌داند. در مقابل حکومت اقلیم کردستان عراق در بهمن ماه ۱۳۸۶ (فوریه ۲۰۰۸) دستور تشکیل اداره‌ای برای این منطقه به نام "کرمیان" را صادر کرد تا منطقه از نظر اداری تابع منطقه اقلیم کردستان و به عنوان یک استان قلمند شود. این عملیات از نظر دولت و ارتش عراق جزئی از اقدامات سراسری در کشور و در مبارزه با القاعده و گروه‌های مسلح خارج از قانون بود که پیش از این در شهرک صدر، بصره، العماره و موصل اجرا شده بود و اکنون ضروری بود در استان دیالی که مامن القاعده شده بود، اجرا گردد. این عملیات در ابتدای مرداد ماه نخست مناطق عرب‌نشین سنی نظیر بعقوبه و مقدادیه را در بر گرفت و تنش بین کردها و دولت مرکزی عراق از اواخر مرداد و زمانی شروع شد که ارتش عراق به تدریج تلاش کرد با پیشروی به سوی شمال و شرق استان دیالی وارد مناطق کردنشین شود و کنترل این مناطق را که در اختیار پیشمرگه‌های کرد بود به دست گیرد.

۳.۲. بحران انتخابات در کرکوک: اختلاف دیگر کردها و دولت مرکزی بر سر نحوه برگزاری انتخابات شوراهای استانی در کرکوک بود که با انتقال کردها از مصوبه مجلس عراق درباره انتخابات کرکوک شروع شد و به برگزاری تظاهرات در تمامی شهرهای کردنشین عراق منجر شد. در مقابل، ترکمن‌ها و اعراب نیز تلاش کردند تا با تظاهرات علیه کردها در حمایت از قانون جدید انتخابات استانی وارد عمل شوند. ترکیه نیز در عرصه دیپلماتیک تلاش کرد تا به نفع ترکمن‌ها وارد میدان شود و کردها را تحت فشار بگذارد. در این میان آمریکایی‌ها تلاش کردند تا ضمن انتقاد از مصوبه کردهای عضو شورای استان کرکوک مبنی بر الحاق به اقلیم کردستان، مساله را در بغداد و سطوح عالی جریانات سیاسی عراق مدیریت کنند. سرانجام این بحران با اعلام به توقیف افتادن انتخابات کرکوک به طور موقت فروکش کرد.

۳.۳. اختلاف کردها و مالکی در مورد اختیارات اقلیم کردستان و دولت مرکزی: در پاییز ۸۷ دامنه اختلافات کردها و مالکی بر سر اختیارات اقلیم کردستان و دولت مرکزی گسترش بیشتری یافت

و طرفین با ادبیات تندتری یکدیگر را مورد خطاب قرار دادند. در پی سفر مسعود بارزانی رییس اقلیم کردستان عراق به بغداد، پنج کمیته برای بررسی مسائل و مشکلات اساسی میان دولت مرکزی عراق و منطقه کردستان تشکیل شد. اولین کمیته درباره نحوه حکومت‌داری در عراق، کمیته دیگر درباره ارتش و امنیت کمیته سوم درباره نفت و امور مالی و دارایی، چهارمین کمیته درباره مناطق مورد اختلاف و کمیته پنجم، درباره سیاست خارجی عراق بود. در پاییز علاوه بر اختلافات پیشین در مورد کرکوک، خانقین، ماده ۱۴۰، میزان سهم کردها از بودجه عراق و قراردادهای نفتی اقلیم کردستان با شرکت‌های خارجی، سه موضوع دیگر نیز به اختلافات اضافه شد که عبارت بودند از: فرمان مالکی برای تشکیل شبه‌نظامیان موسوم به شوراهای پشتیبانی در کرکوک و مخالفت جریانات تحت رهبری طالبانی و بارزانی با این تصمیم، طرح ایده جدید مالکی برای اصلاح قانون اساسی در مورد اختیارات اقلیم‌ها و دولت مرکزی و سوم انتشار خبر خرید سلاح توسط اقلیم کردستان از بلغارستان بدون اطلاع دولت مرکزی. اختلافات مذکور در مجموع باعث تشدید حوزه تنش‌ها بین مالکی و کردها شد.

۳.۴. پیشنهاد اصلاح قانون اساسی: چالش جدید کردها و مالکی: در حالی که در سال ۱۳۸۷ کردها به تدریج موضوع اصلاح قانون اساسی و کاهش اختیارات نخست‌وزیر و افزایش اختیارات رییس‌جمهور را مطرح می‌کردند تا به این وسیله سطح بازی و قدرت مانور یک رییس‌جمهور کرد را در برابر نخست‌وزیر شیمه افزایش دهند نوری المالکی نخست‌وزیر عراق نیز در آبان ۸۷ و در جریان اولین کنفرانس نخبگان و توانمندی‌های عراق در بغداد، قانون اساسی کشورش را پر از تناقضات و ابهامات دانست و خواستار اصلاح آن و تقویت اختیارات دولت مرکزی و کاهش اختیارات اقلیم‌ها شد و اعلام کرد: قانون اساسی فعلی احتمالاً در شرایط ترس و اضطراب تهیه شده و اکنون که توانسته‌ایم دولت تشکیل دهیم و آن را از فروپاشی نجات دهیم، نیازمند بازبینی قانون اساسی هستیم، زیرا بیم آن می‌رود که حاکمیت فدرالی نیز دولت را مصادره کند. باید دولت متحد قوی ایجاد کرد که مسئولیت کامل در برقراری امنیت و سیاست‌گذاری سیاست‌های خارجی را در دست داشته باشد و اختیارات آن بیشتر از اختیارات اقلیم‌ها باشد. کردها به این پیشنهاد واکنش تندی نشان دادند و

مالکی را به حرکت به سوی دیکتاتوری متهم کردند اما با حمایت ترکمن‌ها از پیشنهاد مالکی، بر دامنه و ابعاد تنش‌های موجود اضافه شد.

۳.۵. مخالفت کردها با تشکیل شبه‌نظامیان طرفدار دولت در مناطق کردنشین: همزمان با اوج‌گیری اختلافات کردها و مالکی بر سر اصلاح قانون اساسی و اختیارات دولت مرکزی و اقلیم کردستان، اتحادیه میهنی و حزب دموکرات (دو حزب اصلی کردها)، با صدور بیانیه‌ای مخالفت خود را با فرمان مالکی برای تشکیل شوراهای پشتیبانی عشایر از جمله در کرکوک اعلام کردند و سپس با انتقاد متقابل مالکی از این بیانیه تنش‌های موجود بین کردها و مالکی گسترش یافت. دو حزب تحت رهبری طالبانی و بارزانی، دوشنبه ۲۰ آبان در جلسه‌ای اضطراری تشکیل شوراهای بیداری را مغایر قانون اساسی عراق تلقی کردند و در بیانیه مشترک خود کسانی را که وارد چنین شوراهایی شوند، خائن توصیف کردند. یک روز بعد در ۲۱ آبان ۸۷ نخست‌وزیر عراق در بیانیه‌ای به بیانیه دو حزب کردی جواب داد و از بیانیه مشترک حزب دموکرات و اتحادیه میهنی کردستان در مخالفت با شوراهای پشتیبانی که به گفته وی به امنیت و وحدت ملی و ثبات عراق خدشه وارد می‌کند و همزمان با اتهامات و جوسازی درباره تعدیل قانون اساسی (که مالکی خواستار شده است) صورت گرفته است ابراز تأسف کرد. در روزهای بعد اختلافات به روزنامه‌ها کشیده شد و در ۲۳ آبان نیز روزنامه التاخی وابسته به حزب دموکرات کردستان عراق با درج اظهارات عارف طیفور، معاون کرد تبار رییس مجلس این کشور به بیانیه مالکی پاسخ داد.

با بازگشت مسعود بارزانی رییس اقلیم کردستان عراق از سفر به آمریکا و اروپا و موضع‌گیری وی به عنوان عالی‌ترین مقام دولت محلی کردها در برابر سخنان مالکی، فضا متشنج‌تر شد. بارزانی در گفت‌وگوی خبری با خبرنگاران اعلام کرد در مقابل هرگونه اصلاح قانون اساسی که بر خلاف مصالح کردها باشد، می‌ایستیم و کردستان عراق به دولت اجازه نخواهد داد که بندهای قانون اساسی وابسته به این منطقه را تغییر دهد. ولی اگر هدف از اصلاح بعضی مواد قانونی، تقویت قانون اساسی باشد، موضوع قابل بررسی است. در همین زمان جلال طالبانی، رییس جمهور عراق نیز با بیش از یکصد نماینده سنی مجلس این کشور نشست مشترکی را برگزار کرد. برخی محافل سیاسی در بغداد این نشست را به منظور

بررسی این موضوع دانسته و اعلام کردند هیات ریاست جمهوری به فکر کاهش صلاحیت‌های نخست‌وزیر و دخالت در مسأله تشکیل شوراهای پشتیبانی است.

۴. انتخابات شوراهای و تغییر آرایش

بازیگران سیاسی

طی آذر ماه ۱۳۸۷، پس از فروکش کردن بحث توافقنامه امنیتی عراق و آمریکا، احزاب و ائتلاف‌های سیاسی عراق بر موضوع انتخابات شوراهای استانی متمرکز شدند. این برای اولین بار بود که در عراق انتخابات شوراهای استانی در سایه قانون اساسی و قانونی که نمایندگان پارلمان آن را تصویب کرده‌اند، برگزار می‌شد.

زمان و تاریخ انتخابات

انتخابات شوراهای استانی ۳۱ ژانویه سال ۲۰۰۹ میلادی (۱۲ بهمن ماه ۱۳۸۷) در همه استان‌های عراق به جز استان کرکوک و منطقه کردستان این کشور و در یک روز برگزار شد. قرار بود انتخابات استانی در تاریخ اول اکتبر انجام شود ولی بحث و اختلاف درباره سهم اقلیت‌ها در رای‌گیری و نیز اختلاف در مورد نحوه انتخابات در منطقه نفت‌خیز کرکوک این انتخابات را به تعویق انداخت.

قانون انتخابات

شورای ریاست جمهوری عراق در ۲۰ آبان ۸۷ قانون انتخابات شوراهای استانی عراق را تصویب کرد. پارلمان عراق نیز هفته قبل از آن، قانون انتخابات شوراهای استانی را با اختصاص نمایندگانی به اقلیت بار دیگر تصویب کرده بود و این قانون در ۲۴ سپتامبر یک بار تصویب شده بود که به دلیل حذف بند مربوط به حقوق اقلیت‌ها مورد اعتراض این گروه‌ها، بویژه مسیحیان قرار گرفت.

تعداد تشکلهای و نامزدهای حاضر در

انتخابات

۱۴۰ تشکلهای سیاسی در کمیسیون انتخابات برای شرکت در انتخابات استانی ثبت‌نام کرده بودند که از این میان ۳۶ تشکل در قالب ائتلاف‌ها و ۳۶۵ تشکل دیگر به طور مستقل در انتخابات حضور داشتند. ۱۱ حزب و تشکل سیاسی ویژه اقلیت‌ها نیز برای کسب ۱۲ کرسی در استان‌های بغداد، نینوا و بصره با یکدیگر رقابت کردند. ۱۴ هزار و ۴۰۰ کاندیدای انتخابات شوراهای استانی برای کسب ۴۴۰ کرسی این شوراهای رقابت کردند.

تعداد و ترکیب کرسی‌ها در ۱۴ استان

تعداد کرسی‌های شورای هر استان بر اساس تعداد جمعیت آن استان تعیین شده بود. بر همین اساس

استان بغداد ۵۷ کرسی، استان انبار ۲۹ کرسی، بصره ۲۵ کرسی، دیوانیه ۲۸ کرسی، استان مثنی ۲۶ کرسی، استان نجف ۲۸ کرسی، استان بابل ۳۰ کرسی، استان دیاله ۲۹ کرسی، استان ناصریه (ذی قار) ۳۱ کرسی، استان صلاح‌الدین ۲۸ کرسی، استان کربلا ۲۷ کرسی، استان العماره (میسان) ۲۷ کرسی، استان نینوا ۳۷ کرسی و استان کوت (واسط) ۲۸ کرسی در مجلس استان‌ها (شورای اداره هر استان) داشتند. سهمیه اقلیت‌های مذهبی ۶ کرسی بود.

نتایج انتخابات شوراهای استانی عراق

نتایج انتخابات شوراهای استانی عراق که از سوی کمیسیون عالی انتخابات اعلام شد، بیانگر آرایش جدید بازیگران و جریان‌های سیاسی عراق و تغییر میزان محبوبیت و قدرت آن‌ها در بین مردم بود.

۴.۱. پیروزی عمومی شیعیان مذهبی و

احزاب اسلامی

با وجود ریزش آرای مجلس اعلا، پیروزی حزب الدعوه و مالکی، رای قابل توجه طرفداران مقتدی صدر و شروع کم فروغ جریان اصلاح ملی به رهبری ابراهیم جعفری، مجموع آرای شیعیان مذهبی میان‌رو به گونه‌ای بود که بزرگ‌ترین بلوک پیروز را در بغداد و ۹ استان جنوبی تشکیل می‌دهند و تسلط آن‌ها بر استان‌های جنوبی، مطلق و در بغداد نزدیک به مطلق است. جریان‌های مذهبی شیعه شامل ائتلاف دولت قانون نوری المالکی، جریان صدر، شهید محراب وابسته به مجلس اعلا، جریان اصلاح ملی جعفری و حزب فضیلت موفق شدند ۵۸ درصد از ۵۷ کرسی شورای استان بغداد را به خود اختصاص دهند. این در حالی است که در مقابل، جریان‌های اهل سنت شامل جبهه توافق، تجمع مشروع عراق (صالح مطلق) و فهرست مثال آلوسی، هفده و نیم درصد آرای پایتخت عراق را به خود اختصاص دهند. فهرست سکولارهای عراق (ایاد علاوی) هشت درصد و کمونیست‌ها یک درصد آرای بغداد را کسب کردند. نتیجه مذکور بیانگر این موضوع است که قبل از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۹، شرایط شیعیان مذهبی از سایر احزاب و گروه‌ها بهتر است.

۴.۲. اوج‌گیری حزب الدعوه در سایه

محبوبیت مالکی (رای مردم به ثبات و

امنیت)

فهرست تحت رهبری نوری مالکی در بغداد و ۹ استان شیعه‌نشین جنوب رتبه نخست را به دست آورد. ائتلاف دولت قانون که توسط مالکی رهبری می‌شد و شامل هفت حزب دیگر بود، در بغداد ۲۸

درصد آرا و در بصره ۳۷ درصد آرا را به دست آورد. پیش از انتخابات شوراها، حزب الدعوه در سایه مجلس اعلا و جریان مقتدی صدر قرار داشته اما عملکرد مقتدرانه مالکی در بازگرداندن ثبات و امنیت به بغداد و بصره و برخی دیگر از شهرهای عراق باعث شد تا رای دهندگان بویژه شیعیان به سوی وی جلب شوند. در واقع مالکی حزب الدعوه را احیا کرد و آن را از یک حزب در حال سقوط به حزب اول در انتخابات شوراها تبدیل نمود.

۴.۳. کاهش قابل تامل آرای مجلس اعلا
مجلس اعلا که در گذشته بزرگترین حزب و تشکیلات بین شیعیان عراق بود، با اقبال کمتری از سوی مردم روبرو شد. این حزب نتوانست در بغداد و هیچ یک از ۹ استان شیعه‌نشین جنوب در رتبه نخست قرار گیرد و حتی در نجف زادگاه خانواده حکیم و مرکز سنتی قدرت نیز، در جایگاه نخست قرار نگرفت. فهرست شهید محراب به ریاست سیدعبدالعزیز حکیم، در پنج استان این کشور در رده دوم و در دو استان دیگر در رده سوم قرار گرفت. البته تبلیغات شدیدی علیه این حزب از سوی برخی رسانه‌های عربی در خارج از عراق در جریان بود و ضعف و بیماری عبدالعزیز حکیم نیز بر توانمندی انتخاباتی این حزب تاثیر گذاشته بود.

۴.۴. قرار گرفتن جریان صدر به عنوان جریان سوم شیعی

جریان صدر اگرچه به طور مستقیم در انتخابات شرکت نداشته اما رهبران این جریان از فهرست احرار مستقلین حمایت می‌کردند. این فهرست در اکثر مناطق شیعه‌نشین به عنوان یکی از سه فهرست پیروز قرار گرفت و نسبت به گذشته موقعیت خود را تقویت کرد. جریان صدر در واقع همانند گذشته آرای خود را از بین توده‌های فقیر شهرک صدر در بغداد و مناطق فقیرنشین استان‌های شیعه‌نشین جنوب جمع کرد و از سوی دیگر همچنان خود را به عنوان ضد آمریکایی‌ترین گروه شیعه که خواستار خروج سریع نیروهای آمریکایی است به رای دهندگان عرضه کرده اگرچه اکنون کمتر بر مبارزه مسلحانه تاکید می‌کند.

۴.۵. ظهور جریان مستقل ابراهیم جعفری
جریان اصلاح ملی که توسط ابراهیم جعفری رهبر سابق حزب الدعوه و نخست‌وزیر پیشین عراق رهبری می‌شد در این انتخابات به عنوان حزب و فهرست چهارم شیعی قرار گرفت. انتخابات نشان داد جعفری اگرچه خود سیاستمداری با تجربه و از مبارزان قدیمی علیه حزب بعث و شناخته شده بین

نخبگان و رهبران عراقی است اما هنوز نتوانسته است فراتر از شخص خود یک جریان نیرومند حزبی و تشکیلاتی را راهاندازی کند و در جریان انتخابات بیشتر بر شخصیت فردی و مبارزاتی خود تکیه کرده بود. این در حالی بود که رای دهندگان عراقی نیز در دوران نخست‌وزیری وی بی‌ثباتی و ناامنی را از جمله در بغداد تجربه کرده بودند و علیرغم احترامی که وی در محافل سیاسی عراق دارد اما کارآمدی وی در اداره دولت زیر سوال بود.

۴.۶. ضعف عمومی سکولارها و شیعیان غیر مذهبی (جریان عراقیه ایاد علاوی)
انتخابات شوراها استانی همانند دو انتخابات قبلی (انتخابات اول شوراها و انتخابات پارلمانی) نشان داد که جریان‌های سکولار نظیر جریان و فهرست عراقیه و نیز کمونیست‌ها در بین مردم عراق فاقد رای و جایگاه جدی هستند. کمونیست‌ها مدت‌هاست که کمتر انتخاباتی را در سراسر جهان برده‌اند اما جریان سکولار ایاد علاوی بعد از سقوط صدام مایه امید آمریکایی‌ها و برخی کشورهای عربی بوده است. علاوی که از بعضی‌های سابق است نماینده جریان سکولار عراق به شمار می‌رود و حتی پس از سقوط صدام بدون برگزاری انتخابات از سوی آمریکایی‌ها به نخست‌وزیری گمارده شد. اما تجربه انتخابات متعدد در عراق نشان داده که سرمایه‌گذاری آمریکا بر روی وی برای حاشیه‌نشین کردن شیعیان مذهبی نظیر حزب الدعوه، مجلس اعلا، جریان صدر و ابراهیم جعفری بی‌نتیجه بوده است.

۴.۷. تضعیف اقتدار جبهه توافق و بازگشت شبه‌بعثی‌ها در الانبار

جبهه توافق اهل سنت عراق در دو استان دیاله و صلاح‌الدین توانست با ۲۱ درصد و ۱۴ درصد بیشترین آرا را کسب کند ولی در دو استان مهم سنی‌نشین یعنی موصل و الانبار، رقابت را به رقبای جدید خود واگذار کرد. حزب اسلامی طاروق الهاشمی به عنوان رکن جبهه توافق در موصل سوم شد و تنها ۷/۶ درصد آرای این استان را به دست آورد و در الانبار نیز برابر جریان شبه‌بعثی صالح مطلق شکست خورد. این نتایج نشان داد که اگرچه جبهه توافق همچنان بزرگ‌ترین گروه در بین اعراب سنی است ولی با رقبای جدی در درون سنی‌ها روبرو است. نخست‌عشایری که حزب اسلامی را قبول ندارند و بیشتر از آن که حزبی باشند بر اساس مناسبات عشیره‌ای رای می‌دهند و خود را ذیل عنوان مجالس صحوه (شوراها) عشایری متشکل کرده بودند، رای اول را در الانبار به دست

آوردند. دوم بعضی‌های تجدید سازمان یافته که خود را ذیل جبهه گفت‌وگوی طالع مطلق وارد پروسه سیاسی کرده‌اند. جریان صالح مطلق در الانبار در رتبه دوم قرار گرفت و این به آن معناست که بعضی‌ها در این منطقه قدرت و سازماندهی بیشتری یافته‌اند.

۴.۸. کاهش سهم کردها از قدرت محلی به دلیل افزایش مشارکت سنی‌ها
همانگونه که پیش‌بینی می‌شد با افزایش مشارکت سنی‌ها در انتخابات در استان‌های نینوی (موصل) صلاح‌الدین (تکریت) دیالی (بعقوبه)، سهم کردها از کرسی‌های شوراها کاهش یافته زیرا در این استان‌ها که جمعیت آن‌ها ترکیبی از سنی، کرد و در برخی مناطق نظیر دیالی شیعه‌استه در انتخابات گذشته، سنی‌ها انتخابات را تحریم کرده بودند و کردها جای خالی آن‌ها را پر کرده بودند. در این دوره و با مشارکت سنی‌ها در انتخابات استان موصل، تجمع حدبا وابسته به اسامه نجیفی که یک سیاستمدار به شدت ضد کردها است با ۴۸ درصد از فهرست کردها که ۲۵ درصد رای کسب کرد پیشی گرفت و در صدر احزاب این استان ایستاد.

۵. گرایش کشورهای عربی به سوی توسعه تدریجی روابط با عراق
یکی از مهم‌ترین فرآیندهای راهبردی در محیط داخلی عراق در سال ۸۷ را می‌توان گسترش تحرک دیپلماتیک کشورهای عربی منطقه، برای نزدیک شدن تدریجی به دولت عراق دانست. مصداق این فرآیند را می‌توان در ورود سفرای کشورهای اردن، سوریه و بحرین به بغداد و شروع فعالیت آن‌ها دانست.

چالش بین دو دیدگاه کشورهای عرب در مورد عراق جدید

پس از سقوط صدام دو دیدگاه بین کشورهای عربی در مورد همکاری دیپلماتیک با عراق وجود داشته است. یک دیدگاه معتقد بوده که دولت جدید عراق دولتی است که تحت کنترل شیعیان نزدیک به ایران و کردها قرار دارد و با توجه به حاکمیت دیرینه اعراب سنی بر عراق، چنین دولتی که محصول حمله آمریکا به عراق است نباید به رسمیت شناخته شود و حتی امکان نباید با برقراری روابط دیپلماتیک و اعزام سفیر و آمد و شد‌های سطح بالا به آن فرصت داد تا موقعیت خود را تحکیم و تثبیت کند. این دیدگاه بین اکثریت قریب به اتفاق کشورهای عربی از هنگام سقوط صدام تا سال ۱۳۸۷ حاکم بود. دیدگاه دوم معتقد است که دولت جدید عراق اگرچه مطلوب کشورهای عرب سنی نیست اما یک

واقعیت است و دولت‌های عربی نمی‌توانند در درازمدت نسبت به آن بی‌تفاوت و منفعل باشند و اگرچه در شرایط کنونی قدرت برکناری آن را ندارند اما نمی‌توانند نسبت به نفوذ سایر بازیگران غیر عرب در آن و آینده عراق بی‌تفاوت بمانند و باید به سمت جذب عراق و هضم آن در جهان عرب حرکت کنند. برخی سودجویی‌های اقتصادی و تجاری نیز این دیدگاه را تقویت کرده است.

حرکت دیپلماتیک و تدریجی کشورهای عرب سنی در سال ۸۷ به سوی عادی سازی روابط با عراق و اعزام سفرای برخی کشورهای عرب به بغداد را می‌توان در چارچوب این نگرش تجزیه و تحلیل کرد. اگرچه فشارهای آمریکا نیز بی‌تاثیر نبود و در پی اعمال فشار آمریکا بر کشورهای عربی به منظور ایفای نقش سیاسی مهم‌تر در عراق، در سال ۸۷ کشورهای امارات عربی متحده اردن، سوریه بحرین و کویت سفرای خود را در بغداد معرفی کردند. **احتیاط مصر و عربستان در نزدیکی پیش از حد به عراق جدید**

ابوالغزیز وزیر خارجه مصر نیز در پاییز ۸۷ از بغداد دیدن کرد، اما با وجود تحرک جدید در روابط دیپلماتیک کشورهای عربی با عراق جدید، مصر و عربستان به عنوان دو کشور بزرگ و تعیین کننده در معادلات درون عربی و منطقه‌ای در سال ۸۷ با احتیاط با دولت جدید عراق برخورد کردند و نه سفرای آن‌ها به بغداد بازگشت و نه سران آن‌ها حاضر شدند که به بغداد بروند. در واقع مصر و عربستان هم از تضعیف هویت سنی عراق به نفع تقویت هویت کردی آن ناراحت بودند و هم از تضعیف هویت سنی عراق در برابر هویت شیعی آن. عربستان و مصر معتقدند اقدامات آمریکا در عراق باعث تقویت نقش ایران و بازیگران عراقی نزدیک به ایران شده و ضروری است که از طریق همکاری با آمریکا و یا تحت فشار قرار دادن آمریکا، واکنش را به سمت واگذاری سهم بیشتر به اعراب سنی در معادلات عراق مجبور کرد. در واقع این کشورها درصدد جلوگیری از افزایش نقش و جایگاه ایران در معادلات خاورمیانه پس از سقوط طالبان و صدام هستند.

فرآیند مشارکت سیاسی

اعراب سنی برخلاف شیعیان و کردها، از زمان تاسیس سلسله بنی‌عباس حاکم عراق بوده‌اند. از زمان تاسیس و ایجاد عراق جدید، این اعراب سنی بودند که بر اکثریت شیعه در عراق حاکم بوده‌اند.

شیعه در مواردی اندک و کوتاه مدت نظیر حکومت آل بویه در سال ۹۴۵ میلادی حاکم عراق بوده است. حاکمیت سلاطین امپراتوری عثمانی نیز مانع از همسویی حکومت با اکثریت جمعیت یعنی شیعیان شد و حدود ۵ قرن حاکمیت عثمانی‌ها، باعث سلطه سیاسی ترک‌ها و در کنار آن‌ها اعراب سنی بر عراق شد. حتی تعیین حکومت عراق پس از استقلال به گونه‌ای بود که انگلیسی‌ها در نهایت تصمیم گرفتند که حکومت را به اعراب سنی بسپارند. تداوم حکومت اعراب سنی در عراق تا سال ۱۹۵۸ از طریق نظام پادشاهی و پس از آن از طریق کودتاهای متعدد بود که آخرین آن‌ها را یعنی‌ها در سال ۱۹۶۸ طراحی و اجرا کردند. اما حمله آمریکا به عراق نه تنها باعث فروپاشی رژیم صدام حسین، بلکه باعث اضمحلال دولت سنی محور در عراق شد. درست به همین دلیل بود که نه تنها اعراب سنی طرفدار صدام بلکه برخی از اعراب سنی مخالف صدام نیز با عملکرد آمریکا در عراق مخالف بودند و با همکاری با القاعده به جنگ علیه آمریکا ذیل نام مقاومت پرداختند. با این وجود در سال ۸۷، اعراب سنی طی مذاکرات متعدد با آمریکا و با حمایت کشورهای عربی و نیز با تشویق دولت مرکزی عراق از مبارزه مسلحانه فاصله گرفته و به سمت مشارکت بیشتر در فرآیند سیاسی و مسالمت‌آمیز حرکت کردند که مشارکت گسترده‌تر آن‌ها در انتخابات استانی و بازگشت وزرای جبهه توافق به دولت مالکی از مهم‌ترین مصادیق آن بود.

در این چارچوب امکان مهار القاعده در مناطق سنی نشین فراهم شد و گروه‌های تندرو نظیر هیات علمای مسلمین (به عنوان مهم‌ترین تشکل روحانیون عرب سنی) منفعل شدند. در مقابل دولت جدید عراق سعی کرد برای جلب همکاری اعراب سنی و حتی بعضی‌ها و جلوگیری از ادامه حمایت‌های آنان از ناآرامی‌ها در عراق، طرح ممنوعیت بکارگیری بعضی‌ها در ادارات دولتی را اصلاح و فعالیت کمیته پاکسازی بعضی‌ها را متوقف کند و بازگشت برخی از بعضی‌ها به ساختار اداری و حکومتی و حتی نیروهای مسلح را اجرا نماید. در این چارچوب رهبران عراقی با پیش نویس قانونی که به اعضای حزب بعث صدام حسین اجازه بازگشت به مشاغل دولتی را می‌دهد، موافقت کردند.

۷. تقویت روند تجهیز و آموزش ارتش و نیروهای مسلح عراق

یکی از مهم‌ترین تحولات عراق در سال ۸۷، تقویت تدریجی ارتش و نیروهای مسلح عراق

بود. در این چارچوب علاوه بر این که شمار نیروهای مسلح عراق به بیش از ۶۰۰ هزار تن رسید، اختیارات عملیاتی نیروهای مسلح عراق پس از امضای توافقنامه امنیتی با آمریکایی‌ها بیشتر شد و ارتش عراق کنترل استان‌های بیشتری را در اختیار گرفت. در حوزه تجهیز و خرید تسلیحات نیز ابعاد بیشتری از خریدهای تسلیحاتی عراق، بویژه با آمریکا منتشر شد. در این چارچوب آمریکا و عراق در سال ۸۷ توافق کردند تا ۱۴ میلیارد دلار برای حمایت تسلیحاتی از نیروهای عراقی و آماده سازی سربازان عراقی برای یک سال و نیم آینده اختصاص یابد. مقرر شد از این مبلغ پنج میلیارد دلار توسط آمریکا و ۹ میلیارد دلار توسط دولت عراق تامین شود. بر همین اساس، قرار شد اسلحه ام-۱۶ به عنوان اسلحه سازمانی، جانشین اسلحه کلاشینکف شود. وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) در اواخر سال ۸۷ به کنگره این کشور اعلام کرد قصد دارد قراردادی تسلیحاتی به ارزش ۱۰ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار با عراق به امضا برساند. این قرارداد شامل فروش تانک‌های "آبرامز"، خودروهای زرهی "هوموی"، هواپیماهای باری، بالگرد، موشک و گلوله‌های خمپاره راکت و توپ‌های خودکار است. این قرارداد در دو مرحله خواهد بود و جزئیات آن در پایگاه اینترنتی آژانس ویژه قراردادهای خارجی تسلیحاتی وزارت دفاع آمریکا منتشر شده است. کمک به ساخت پناهگاه‌ها، مراکز آموزشی و تاسیسات عملیاتی از دیگر مفاد قرارداد تسلیحاتی آمریکا و عراق است. در این برنامه فروش، قرار است ۳۹۲ خودروی زرهی سبک و تجهیزات رادیویی و ضدتانک به ارزش سه میلیارد دلار به عراق فروخته شود. همچنین قرار است ۱۴۰ تانک پیشرفته M۱A۱ آبرامز و تعدادی وسیله نقلیه لجستیکی به همراه آمبولانس‌های زرهی و کامیون‌هایی برای حمل و نقل تجهیزات سنگین نظامی به عراق فروخته شود که ارزشی معادل ۲/۱۶ میلیارد دلار دارد. قراردادی جداگانه نیز به ارزش ۲/۴ میلیارد دلار برای فروش هلی کوپتر به دولت عراق امضا شده است که بر اساس آن ۲۴ هلی کوپتر جنگی "بل" ۴۰۷ یا ۲۴ هلی کوپتر بوئینگ AH-۶ به همراه متعلقات موشک و پرتاب راکت به عراق واگذار خواهد شد. آژانس همکاری و امنیت دفاعی آمریکا همچنین اعلام داشته به احتمال زیاد قراردادی برای فروش شش هواپیمای C-۱۳۰J یا تجهیزات کامل آن به عراق امضا خواهد شد که ارزش تقریبی آن ۱/۵ میلیارد دلار است.